

## جهانی شدن و توسعه پایدار

شمس السادات زاهدی

### چکیده

جهانی شدن مجموعه‌ای از فرایندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه‌های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در بر می‌گیرد و موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر می‌شود. از منظر اقتصادی، سیر تاریخی جهانی شدن را می‌توان به چهار مرحله داخلی، بین‌المللی، چند ملیتی و جهانی تفکیک کرد. از منظر جهان بینی نیز چهار نوع طرز تفکر خود محوری، چندمحوری، منطقه محوری و جهان محوری در روند جهانی شدن مشاهده می‌شود. جهانی شدن دارای اثرات مثبت و منفی است و موافقان و مخالفان زیادی دارد. اصولاً طرز تلقی و نگرش نسبت به جهانی شدن بستگی به این موضوع دارد که فرد، گره و یا جامعه خاص از وضعیت به وجود آمده، منتفع و یا متضرر شده باشد. بدیلهایی که برای جهانی شدن مطرح شده‌اند عبارتند از: جنبش ضد جهانی شدن، جهانی شدن اصلاح شده و فلسفه توسعه پایدار.

عقلانی‌ترین بدیل برای جهانی شدن، توسعه پایدار است که همزمان با توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی بر ضرورت توجه به محیط زیست و حفظ منابع طبیعی نیز تاکید می‌نماید. توسعه پایدار را می‌توان مدیریت روابط سیستمهای انسانی و اکوسیستمهای طبیعی با هدف استفاده پایدار از منابع در جهت تأمین رفاه نسلهای حال و آینده تعریف کرد. واقعیتها حاکی از آن است که دخالتهای نسنجیده بشر و بهره‌گیری افراطی از منابع طبیعی، نظم اکوسیستم را مختل کرده است. از اینرو لازم است که کلیه کشورهای جهان، از فرصتها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره‌گیری کنند و با اعمال نفوذ در روند مزبور، آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت نمایند.

## کلید واژه‌ها

جهانی شدن، توسعه پایدار، خود محوری، جهان محوری، فقرزدایی، کارایی اکولوژیکی، ممیزی اکولوژیکی، تولید بدون پسماند، هزینه‌های زیست محیطی.

## تعریف جهانی شدن

جهانی شدن مجموعه‌ای از فرایندهای چند بعدی و پیچیده است که عرصه‌های متعددی از جمله اقتصاد، ایدئولوژی، سیاست، فرهنگ و محیط زیست را در بر می‌گیرد. منطلق جهانی شدن اساساً در منطلق سرمایه داری؛ یعنی حفظ و بسط فرایند تکاثر سرمایه ریشه دارد و از اینرو اقتصاد در جبهه مقدم فرایند جهانی شدن قرار می‌گیرد. (Gills, 2002).

در این عرصه، جهانی شدن عبارت است از ادغام شتابان اقتصادهای محلی و ملی در اقتصاد جهانی، ادغامی روبه رشد که با جریان کالاها و خدمات، سرمایه، فناوری، اطلاعات در فراسوی مرزهای ملی همراه است. با بسط گستره دید می‌توان روند جهانی شدن را در سایر عرصه‌های زندگی بشر نیز مشاهده کرد. ارتباطات و تعامل‌های ملتها علاوه بر زمینه‌های اقتصادی به سایر حوزه‌های فعالیت نیز تسری یافته و فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، محیطی، علمی، مذهبی و حتی ورزشی راد بر گرفته است.

جهانی شدن یک جریان مستمر از مسیر تاریخی بین‌المللی شدن است که موجب افزایش وابستگی کشورهای جهان به یکدیگر از ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به ویژه زیست محیطی شده است. به قول مانوئلا لوکاس، جهانی شدن موجب شده که مشکل شما مشکل ما بشود. جنگ در یک کشور هجوم پناهندگان به کشورهای دیگر را در پی آورد و مسائل زیست محیطی در یک کشور مسبب بروز فاجعه در سایر کشورها شود (Lucas, 2004).

ازنگاهی دیگر، می توان جهانی شدن را راهبرد کشف فرصتها در نقاط مختلف جهان و استفاده از آنها به منظور بهینه سازی فعالیتهای یک موسسه قلمداد کرد (Pearce & Robinson, 2011).

## سیر تکاملی

روند تاریخی و سیر تکاملی جهانی شدن از چهار منظر قابل بررسی است:

- 1- منظر اقتصادی؛
- 2- منظر جهان بینی؛
- 3- منظر فرهنگی؛
- 4- منظر تنوع کنشگران؛

از منظر اقتصادی سیر تاریخی جهانی شدن را می توان به چهار مرحله عمده تفکیک کرد (دفت، 1377): مرحله داخلی، که کلیه فعالیتهای موسسه در داخل کشور متمرکز است؛ مرحله بین المللی، که طی آن موسسه رقابت با کشورهای دیگر را در برنامه کاری خود قرار می دهد و یک واحد امور بین المللی در چارت سازمانی خود به وجود می آورد؛ مرحله چند ملیتی، که قلمرو فعالیت موسسه وسیعتر شده و شعبی در سایر کشورها ایجاد می شود؛ و مرحله جهانی که طی آن راهبرد موسسه بعد جهانی می گیرد و شعب آن در سطح جهان به صورت یکپارچه عمل می کنند و منابع مورد نیاز خود را با حداقل هزینه از سراسر دنیا تامین می نمایند.

از منظر جهان بینی می توان چهار نوع طرز تفکر را در مسیر تاریخی جهانی شدن متمایز کرد: (1) خودمحوری، (2) چندمحوری؛ (3) منطقه محوری؛ و (4) جهان محوری (Perlmutter, 1969; Pearce & Robinson, 2011).

در مرحله خودمحوری نوعی اعتقاد به برتری ذاتی افراد، سیستمها و روشهای کاری کشور مبدا وجود دارد. در مرحله چندمحوری تفاوتهای فرهنگی کشورهای دیگر به تدریج مطرح می شوند و از نظرات مدیران بومی استفاده بیشتری به عمل می آید، در مرحله منطقه محوری جهت گیری های منطقه ای آغاز می شوند و در مرحله جهان محوری با اتخاذ نگرش سیستمی از نظرات خوب و سازنده کل مجموعه بهره گیری می شود.

از دیدگاه فرهنگی نیز چهار مرحله قابل تشخیص است در مرحله اول عامل تفاوتهای فرهنگی در تولید کالاها لحاظ نمی گردد و ضرورتی برای توجه به ترجیحات بومی کشورها احساس نمی شود. در مرحله دوم به حساسیتهای فرهنگی و راههای متنوع در سایر کشورها توجه می شود. در مرحله سوم، افزایش رقابت در قیمت موجب بی توجهی مجدد به عوامل فرهنگی شده و در مرحله چهارم فرهنگ مصرف کننده و تامین نیازهای مشتریان با حداقل هزینه مجددا مورد عنایت واقع می شود (Adler & Ghadar, 1990).

سیرتاریخی جهانی شدن از منظر تنوع کنشگران نیز قابل توجه است. در مرحله اول شرکتها و طرف خارجی آنها به عنوان دو فعال عمده در صحنه حضور دارند و شرایط کار و مبادله را بین خود تنظیم می کنند. در مرحله دوم دولت میزبان به عنوان فعال و بازیگر سومی مطرح می شود و از طریق تنظیم قوانین و مقررات، در شرایط مبادله دخالت می کند. در مرحله سوم دولتهای کشورهای مبدا نیز به عنوان بازیگر چهارم در عرصه فعالیت های بین المللی حضور یافته و فعالیت می کنند و در مرحله چهارم علاوه بر کنشگران قبلی، گروههای ذی نفوذ متعددی ابراز وجود می کنند (مانند حامیان محیط زیست، اتحادیه های اقتصادی و ....) و به عنوان بازیگران جدید در عرصه فعالیت های جهانی مشارکت می نمایند (Mendenhall, 1995).

اثرات جهانی شدن

جهانی شدن مدافعان و مخالفان زیادی دارد. اصولاً طرز تلقی و نگرش نسبت به جهانی شدن بستگی به این موضوع دارد که فرد، گروه یا جامعه خاص از وضعیت به وجود آمده، منتفع و یا متضرر شده باشد. با مروری بر متون و نوشته های موجود، می توان اثرات مثبت و منفی جهانی شدن را به شرح زیر توصیف نمود:

## الف - اثرات مثبت

یکپارچگی بازارهای جهانی از طرقی مانند کاهش موانع تجاری، بهبود ارتباطات، و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، امکان جریان آزاد سرمایه را بین کشورهای مختلف جهان فراهم می آورد و این امر ممکن است سبب تسریع رشد اقتصادی کشورها شود. موافقان جهانی شدن بر این باورند که کشورهای در حال توسعه از این طریق می توانند بر سرعت توسعه خود بیفزایند (Farlex, 2009).

جاگدیش باگواتی<sup>1</sup> از مشاوران سازمان ملل معتقد است که جهانی شدن یک نیروی بسیار قوی و موثر در رهاسازی کشورها از ورطه فقر و نداری است زیرا موجب تسریع رشد اقتصادی آنها می شود (Bhagwati, 2005). به نظر او در اثر جهانی شدن، برای کارگران آموزش دیده کشورهای در حال توسعه حق انتخاب بیشتری فراهم شده است و این کارگران می توانند برای دریافت دستمزد بالاتر در بازار جهانی رقابت کنند و از شرایط کاری بهتری بهره مند شوند.

دسترسی بیشتر و آسان تر مردم جهان به کالاهای سایر کشورها، ظهور بازارهای مالی و امکان بهره گیری از منابع اعتباری خارجی، ایجاد بازار مشترک جهانی که تحت تاثیر آزادی تبادل کالاها و خدمات به وجود آمده است و امکان رقابت در بازار مشاغل جهانی از پیامدهای مثبت جهانی شدن قلمداد شده اند (Reich, 1992).

در عرصه سیاسی، جهانی شدن تحولاتی در اقتدار دولتها پدید آورده و به نظم بخشی به روابط بین حکومتها پرداخته است (Farnesco, Wikipedia).

---

<sup>1</sup> - Jagdish Bhagwati

در زمینه‌های فرهنگی، امکان دسترسی به تنوع فرهنگی در اثر جهانی شدن افزایش یافته و این امر به ارتقای درک و تفاهم متقابل بین افراد کمک کرده است. در عرصه اجتماعی نیز جهانی شدن به بسط و گسترش سازمانهای مردم نهاد به عنوان یکی از مهمترین عوامل در سیاستگذاری جهانی منجر شده است.

## ب- اثرات منفی

جهانی شدن موجب فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه شده است. فرصتهایی که در کشورهای پیشرفته موجود است استعدادها را از کشورهای فقیر به سوی خود می کشاند و این کشورها را دچار اضرار و خسران می نماید. به عنوان مثال، کشور هند سالانه متجاوز از ده میلیارد دلار بابت فرار مغزهای دانشجویان هندی متضرر می شود.

از نظر رقابت در بازار جهانی کار، جهانی شدن اثرات منفی بر کشورهای در حال توسعه داشته است. کارکنان دانشی<sup>2</sup> مانند مهندسان، وکلا، مدیران، مشاوران، به خوبی می توانند در بازارهای جهانی رقابت کنند و دستمزدهای بالاتری را طلب نمایند، اما کارگران ساده از چنین امکانی برخوردار نیستند. در بسیاری از کشورهای فقیر کارگران موافقت می کنند در شعب شرکتهای جهانی با دستمزدهایی کمتر از سطح دستمزد در کشورهای غنی و در شرایط کارگاهی نامناسب کار کنند.

به طور کلی مخالفان معتقدند که جهانی شدن در خدمت منافع شرکتهای بزرگ و به ضرر شرکتهای کوچک عمل می کند (Farlex, 2009). در قلمرو سیاسی به نظر برخی از صاحب نظران، جهانی شدن موجب ظهور مراکز تصمیم گیری جهانی نامرئی شده و به تهدید کشورهای ضعیف پرداخته است.

در عرصه فرهنگی و اجتماعی، جهانی شدن به عنوان یک خطر فرهنگی که همانند سازی سبک زندگی را در سطح جهان گسترش داده قلمداد شده است. عده ای برای باورند که این هجوم موجب از بین رفتن ویژگیهای

---

<sup>۲</sup> - Mindworkers

بومی و فرهنگی در سطح کشورهای جهان می شود. برخی نیز معتقدند جهانی شدن جرم و جنایت در سطح جهان را گسترش داده و از جمله بر میزان قاچاق انسان و به ویژه قاچاق زنان و کودکان افزوده است.

از منظر زیست محیطی، مخالفان جهانی شدن آن را به مصرف بی رویه و نسنجیده منابع متهم می کنند. به نظر آنها ظرفیت اکولوژیکی جهان پاسخگوی جاه طلبیهای کشورهای جهان به ویژه آمریکا، اروپا، ژاپن، چین و هند نیست و روند فعلی قابل دوام نخواهد بود (Booming nations, 2006).

### بدیلهای جهانی شدن

با این که جهانی شدن از نظر برخی از افراد یک رویداد غیرقابل برگشت تلقی می شود اما گروههای کثیری نیز آن را به چالش کشیده اند و بدیلهایی برای آن مطرح کرده اند. در اینجا توضیحات مختصری درباره این بدیلهای مطرح می شود:

الف - جنبش ضد جهانی شدن؛

ب - حامیان جهانی شدن اصلاح شده؛

ج - مدافعان توسعه پایدار.

### الف - جنبش ضد جهانی شدن<sup>3</sup>

مدافعان جنبش ضد جهانی شدن جمعیتی متنوع و متکثرند که با هرگونه نهاد اقتصادی که در عرصه بین المللی فعالیت کرده و بخواهد نظام اقتصادی جهانی را متحدالشکل نماید مخالفت می نمایند (Gawor, 2008). این گروهها که به عنوان جنبشهای ضد جهانی شدن اشتهار یافته اند شامل

---

<sup>3</sup> - Antiglobalism

اکولوژیست‌ها، فعالان حقوق بشر، چپ‌گرایان، حامیان تنوع فرهنگی، مدافعان محلی گرایي و گروه‌هایی از این قبیل می‌شوند.

جنبش ضدجهانی شدن در سال 1999 در شهر سیاتل آمریکا شکل گرفت. در این سال وقتی سازمان تجارت جهانی در نظر داشت طی نشست‌ی یک نظم اقتصادی نوین جهانی را به وجود آورد با تظاهرات جمعیتی حدود پنجاه هزار نفر مواجه شد. این رویداد موجب برهم ریختن جلسه مذکور شد و به عنوان اولین پیروزی مخالفان جهانی شدن قلمداد گردید. از دیگر تظاهرات عمده جنبش ضدجهانی شدن می‌توان به آشوبهای گروه‌های یاد شده در پراگ (سپتامبر 2000)، داوس (فوریه 2001)، جنوا (ژوئیه 2001) و ورشو (اوت 2004) اشاره کرد.

#### ب- دیدگاه جهانی شدن تعدیل یافته<sup>4</sup> (اصلاح شده)

با ظهور جنبه‌های مثبت جهانی شدن و همچنین با توجه به بی‌نتیجه بودن اقدامات جنبشهای ضدجهانی شدن، تظاهرات و آشوبها تا حدودی کاهش یافت و جنبش جدیدی به وجود آمد که هدف آن مخالفت با ابعاد صرفا اقتصادی و بی‌توجهی به حساسیتهای اجتماعی بوده است. این جنبش به جای اتخاذ موضع خصمانه، جهانی شدن را با چهره انسانی می‌پذیرد. مروجان این دیدگاه، نهادهای صلح طلب، اکولوژیستها، و مخالفان نئولیبرالیسم هستند که معتقدند جهانی شدن نئولیبرال باید تعدیل شود، حقوق بشر را تعمیم دهد، هدفش خدمت به مردم باشد و حقوق کارکنان را مورد شناسایی قرار دهد. این جنبش با همانندسازی اجتماعی مخالف است و از کلیه جنبشهای محلی پشتیبانی می‌کند. از شعار جهانی بیندیش و محلی عمل کن حمایت می‌کند. در عین حال که از فرصتهای جهانی شدن بهره می‌گیرد (مانند ارتباطات سریع، تبادل سریع اطلاعات و...) رنگ محلی خود را نیز از دست نمی‌دهد. به نظر حامیان این جنبش، جوامع جهانی - محلی بهترین نوع سازمانهای اجتماعی هستند که استفاده از مدرنیته را تضمین می‌کنند و همزمان سنن محلی (منطقه ای، نژادی، ملی) و الگوها و ارزشهای خود را نیز حفظ می‌نمایند (Gawor, 2008).

---

<sup>4</sup> - Alterglobalism



## ج - دیدگاه توسعه پایدار

عقلانی‌ترین بدیل برای جهانی شدن و ایدئولوژی نئولیبرال آن، ایده توسعه پایدار است. فلسفه وجودی و دلیل عمده این دیدگاه، ضرورت توجه به سه موضوع عمده و مرتبط به هم در جهان امروز است: توسعه اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و ارتباط با محیط طبیعی (Gawor, 2008). با توجه به این که نگارنده، دیدگاه توسعه پایدار را مناسب‌ترین دیدگاه در بحث توسعه می‌داند در این زمینه توضیحات بیشتری را مطرح می‌کند.

### تاریخچه و تعریف توسعه پایدار

در سال 1987 خانم گرو برانتلند<sup>5</sup> نخست وزیر نروژ، برای توسعه جهانی از عبارت توسعه پایدار استفاده کرد و آن را توسعه‌ای اعلام کرد که آینده را با خطر مواجه نکند (Henry, 2001). از آن زمان به بعد موضوع توسعه پایدار مبنای مباحثات فراوان قرار گرفت و متخصصان و صاحب‌نظران درباره آن بسیار گفتند و نوشتند. در دو دهه اخیر که رشد شتابان جهانی شدن در سراسر گیتی موجب افزایش رو به رشد مصرف منابع و خسارت‌های غیرقابل جبران به اکوسیستم‌های طبیعی شده است. توسعه پایدار بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

توسعه پایدار توسعه‌ای است که علاوه بر توسعه و تعالی زندگی نسل حاضر به حمایت از نسل‌های آتی نیز عنایت دارد و براساس آن، شرایط انسانی و وضعیت محیطی و اکوسیستمی به طور همزمان مورد توجه قرار می‌گیرد. توسعه پایدار بر فلسفه پایداری مبتنا دارد. پایداری به توانایی سیستم برای کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود و وضعیتی است که در آن وضعیت، مطلوبیت و امکانات موجود در طول زمان کاهش نمی‌یابد و منابعی که سیستم برای انجام فعالیت‌های خود به آنها وابسته است رو به ضعف نمی‌گذارد (Gilman, 1999).

---

<sup>5</sup> - Gro Brandtland

توسعه پایدار نیز مجموعه اقداماتی است که با توجه به فلسفه پایداری هدایت می شود. در این نوع از توسعه، اقدامات و فعالیتها به طور مداوم از منظر اصول پایداری بررسی می شود و مورد تجدید نظر قرار می گیرد، به نحوی که برای خیر جمعی جامعه و حفاظت از منابع، به گونه ای عالمانه و آگاهانه تصمیم گیری و برنامه ریزی شود و تصمیمات متخذه به مرحله اجرا درآید.

توسعه پایدار بریکپارچگی اقتصادی - محیطی، حفاظت محیطی، تعهد بین نسلها و عدالت درون نسلی و بین نسلی، کیفیت زندگی و مشارکت آحاد جامعه در فرایند توسعه ابنا دارد و زمانی عینیت می یابد که اولاً کیفیت زندگی انسان را بهبود بخشد و ثانیاً قابلیت زیست کره زمین را حفظ کند. در مورد ارتقای کیفیت زندگی انسان، سیاستهای توسعه باید به گونه ای تدوین شود که زمینه تعالی همه آحاد جامعه را فراهم آورد؛ سلامت جسم و روان آنها را تدارک ببیند؛ امکانات آموزشی، پرورشی، بهداشتی و رفاهی را در حد یک استاندارد شایسته زندگی در اختیار انسان بگذارد؛ امنیت سیاسی، اقتصادی و قضایی را برای او تامین نماید به صورتی که روابط انسانی مناسب بین افراد خانواده ها و درکل جامعه در سطوح محلی و سازمانی و ملی برقرار گردد. درمورد محافظت از قابلیت زیست کره زمین، توسعه ای مدنظر است که براساس آن سیستمهای پشتیبان زندگی و فرایندهای اکولوژیک که موجب تداوم چرخه عناصر اساسی (هوا، آب، خاک،...) می شوند و همچنین تنوع گونه های زیستی حفظ شود؛ پایداری منابع تجدید پذیر تضمین گردد؛ مصرف منابع تجدید ناپذیر به حداقل برسد و محدوده ظرفیت تحمل زمین و اکوسیستم رعایت شود. به این ترتیب توسعه پایدار را می توان مدیریت روابط سیستمهای انسانی و اکوسیستمهای طبیعی به منظور استفاده پایدار از منابع درجهت تامین رفاه نسلهای حال و آینده تعریف کرد. دربرنامه ریزی توسعه پایدار پرسشهایی درباره چگونگی اثرات یک سیستم بر سایر قسمتها مطرح می شود و همچنین این پرسش اساسی که آیا تعامل بین سیستمهای موجود به کارآیی و اثربخشی بیشتر منجر می شود یا خیر مورد توجه قرار می گیرد.

### ابعاد توسعه پایدار

توسعه پایدار دارای چهار بعد اساسی است و تحقق آن منوط به همکاری نزدیک دولت، بخش خصوصی، ونهادهای مدنی است. ابعاد چهارگانه توسعه پایدار عبارتند از: ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و زیست

محیطی. بعد اجتماعی به رابطه انسان با انسانهای دیگر، اعتلای رفاه افراد، بهبود دسترسی به سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگهای مختلف و برابری و فقرزدایی عنایت دارد. بعد اقتصادی با متغیرهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارای منابع طبیعی و همچنین توزیع عادلانه منابع حاصله، تا حد اکثر ممکن ارتقا یابد. بعد زیست محیطی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی و بیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه بین طبیعت و انسان می پردازد. بعد سیاسی نیز به قوانین، سیاستها، برنامه ریزی، بودجه بندی، نهادسازی، تنوع و تکثرگرایی، احترام به حقوق انسانی و مشارکت موثر مردم در فرایندهای تصمیم گیری توجه دارد و به تنظیم وضعیت و شرایط لازم برای تلفیق هدفهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی و ایجاد رابطه مبادله بین آنها برای رسیدن به توسعه پایدار می پردازد.

اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه پایدار داده می شود در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان، متفاوت است. به همین دلیل درحالی که توسعه پایدار یک چالش جهانی است، راهکارهای عملی فقط می تواند به صورت ملی، محلی و بومی تعریف شود. رویکردهای توسعه پایدار انعکاسی از تنوع چالشهای اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و سیاسی است که کشورهای مختلف با آن مواجه اند و تفسیرهای متعدد و مختلف از توسعه پایدار از ارزشها و علائق مختلف در جوامع مختلف مشتق می شود.

### تصویری از واقعیتها

هر موجودی در طبیعت دارای جایگاه ویژه ای است و برای ایفای وظیفه خاصی پدید آمده است. انواع موجودات و گونه های زیستی تا حدود زیادی تحت تاثیر الزامات محیطی خود هستند و در محدوده آشیان اکولوژیک خود محصور شده اند. منظور از آشیان اکولوژیک، تمام مشخصه های فیزیکی، شیمیایی و محیطی است که موقعیت یک ارگانیسم را مشخص می کند و در وضعیت خارج از مشخصه های مذکور، ارگانیسم با مشکلاتی مواجه می شود که ممکن است به نابودی آن منجر شود.

انسان در سیرتمدنی خود و به مدد پیشرفت تکنولوژی آن چنان قدرتمند شد که به رهایی اکولوژیکی دست یافت، خروج از آشیان اکولوژیک برایش میسر گردید و خود را ارباب محیط و طبیعت تصور کرد و هر آنچه که در چنته طبیعت بود را از آن خود پنداشت. در این فرایند فراموش کرد که اوهم صرفاً جزئی از اجزاء پُرشمار نظام طبیعت است و ملزم است رابطه معقول و متعادلی را با سایر اجزای موجود در جهان هستی برقرار کند. ناگفته نماند که این فراموشی برایش بسیار گران تمام شده است. توجه افراطی به رشد اقتصادی از یک سو و عطش پایان ناپذیر مصرف از سوی دیگر، در اغلب کشورهای جهان موجب اضمحلال منابع طبیعی شد. دخالت‌های بی‌رویه و نسنجیده بشر نظم حاکم بر اکوسیستم را مختل کرد و تحمیل پسماندها و ضایعات انبوه بر طبیعت، بسی فراتر از آستانه تحمل آن، قانونمندیهای طبیعت را به بازی گرفت. در نتیجه، نظام برنامه ریزی شده طبیعت از پاسخگویی به این هجمه عظیم عاجز ماند. چنین بود که مجموعه رفتارهای تخریبی بشر در سه سده گذشته، طبیعت را عاصی کرد تا حدی که در سالیان اخیر، در گوشه و کنار جهان اثرات این عصیان و نمودهای اعتراضی آن را به کرات شاهد بوده و هستیم.

در گزارش توسعه هزاره سازمان ملل متحد که با مشارکت نمایندگان دولتها، تشکلهای غیردولتی، دانشگاهیان و نمایندگانی از جوامع محلی تهیه شده است، شرکت کنندگان، اثرات تغییرات اکوسیستمی را در رفاه بشر مورد بررسی قرار دادند. براساس این گزارش، تمامی افراد بشر برای برخورداری از یک زندگی خوب، سالم و ایمن، براکوسیستم‌ها متکی هستند. قرنهای متمادی است که طبیعت نیازهای انسانها را در مورد غذا، آب، هوا و انرژی تامین کرده است. اما در حال حاضر به دلیل زیاده رویهایی که در استخراج منابع طبیعی صورت گرفته، ظرفیت و توانایی سیاره برای تامین نیازهای بشری به شدت تضعیف گردیده است. یافته‌های این بررسی تصویری ناخوشایند را از وضعیت موجود ارائه می‌دهند: کاهش خدمات اکوسیستمی، افزایش تغییرات آب و هوایی، افزایش بحرانها و بلایای طبیعی، مشکلات روبه‌تزايد ناشی از آلودگی‌های مختلف، و تشدید شتاب انقراض انبوه درگونه‌های زیستی، به طوری که انواع گونه‌های زیستی با سرعتی بیش از هزار برابر سرعت طبیعی در حال انقراض هستند. بدیهی است که روندی این چنین شتابان درنهایت به ناپدید شدن خود انسانها نیز منجر خواهد شد.

بانک توسعه آسیایی با بحرانی خواندن مشکل محیط زیست در این قاره اعلام کرده است که زندگی آسیایی ها رو به تهدید است. بنابر گزارش بانک توسعه آسیایی، وضعیت محیط زیست در آسیا و بی توجهی به آن اقتصاد کشورهای این قاره را تهدید می کند. طبق این گزارش، از 15 شهر جهان که آلوده ترین شهرها از نظر زیست محیطی هستند، 12 شهر در آسیا قرار دارد. جنگلهای منحصر به فرد این قاره در حال نابودی هستند و زیانهای بسیار بر منابع غنی و گوناگون دریایی آسیا وارد می شود.

بانک توسعه آسیایی به دولتهای آسیایی هشدار داده است که هر چه زودتر خود را برای مقابله با این وضعیت وخیم آماده کنند. در کشور ما نیز مصادیق فراوانی از بی توجهی به حفاظت از محیط زیست وجود دارد. نمونه ای از شمال کشور، آتش سوزی در جنگلهای گلستان است که به کرات در حوزه های گرگان، مینودشت، علی آباد کتول و جنگلهای همجوار رخ می دهد و منابع غنی و ارزشمند زیست محیطی کشور را به نابودی می کشاند. نمونه دیگر از جنوب کشور، خسارات زیست محیطی در منطقه عسلویه است که در اثر توسعه میدان گاز پارس جنوبی (که البته از نظر اقتصادی امری ناگزیر است) پدید آمده است. وجود مشعلهای متعدد در فازهای ده گانه و مجتمع های پتروشیمی، نشت گازهای گوناگون، تخلیه پسماندهای صنعتی، تهدید پوشش گیاهی طبیعی، خشک کردن دریا و غیره موجب برهم خوردن نظم و تعادل اکولوژیک منطقه شده است. براساس اصل 50 قانون اساسی حفظ محیط زیست برای نسلهای آینده یک وظیفه عمومی قلمداد شده است و طبق مفاد برنامه های سوم و چهارم توسعه، تخریب محیط زیست، یک جرم تلقی می شود. رعایت این الزامات، مداخله هدفدار و مدبرانه ای را در فرایند توسعه می طلبد که همزمان کشور را به سوی توسعه سوق دهد و در عین حال میزان خسارات را به حداقل برساند.

## نتیجه گیری

مفهوم واقعی جهانی شدن، افزایش وابستگی متقابل بین کشورها است. ما در جهانی زندگی می کنیم که از سویی بسیار کوچک و یکپارچه و از سوی دیگر بسیار بزرگ و متنوع است. جهان ماکلیت واحدی است که هرگونه کم و زیادی در هر یک از اجزای آن بر سایر اجزای متشکله اش تاثیر می گذارد. وقایعی که در

کشورهای شمال اتفاق می‌افتند. سرنوشت کشورهای جنوب را تحت تاثیر قرار می‌دهند و رویدادهای کشورهای شرقی، آینده کشورهای غربی را رقم می‌زنند. به قول آنتونی گیدنز، جهانی شدن در واقع به معنای درهم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمینهای دوردست با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است (گیدنز، 1990).

انتقال سریع و آسان سرمایه، جریان بی‌وقفه اطلاعات و آمد و شد روزافزون افراد در سراسر جهان، موجب انتقال بحرانهای اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی و اجتماعی از یک کشور به سایر کشورها می‌شود و انجام فعالیت‌های مختلف تولید در نقاط پراکنده جغرافیایی نیز بر وابستگی کشورها به یکدیگر می‌افزاید.

بنابراینچه گذشت، جهانی شدن سرنوشت محتوم آینده بشریت است. حال پرسش اساسی این است که چگونه می‌توان از فرصتها و امکانات برآمده از روند جهانی شدن بهره گرفت و با تهدیدهای ناشی از این روند، مواجهه عقلانی و حساب شده انجام داد. به عبارت دیگر چگونه می‌توان به جای رهاسازی مهار جهانی شدن، ضمن اتخاذ دیدگاهی راهبردی و عقلانی، به اعمال نفوذ در روند جهانی شدن پرداخت و آن را در مسیر توسعه پایدار هدایت کرد. در این زمینه پیشنهادهایی مطرح می‌شود که امید است با کاربست آنها حرکت به سوی توسعه پایدار تسریع و تحقق هدفهای آن تسهیل شود.

## پیشنهادها

### 1- ضرورت مدیریت فرایند جهانی شدن

روند فعلی جهانی شدن در خلاف جهت مبانی و فلسفه اساسی توسعه پایدار حرکت می‌کند. این روند نمی‌تواند تداوم داشته باشد زیرا از یک سو فاقد چهره انسانی است و از سوی دیگر مخرب محیط زیست و مغایر با هنجارهای پایداری است. چنانچه این روند با همین وضع ادامه یابد به طور حتم بحران‌زا شده و ما را به ورطه نابودی خواهد کشاند.

از این رو لازم است که به آن افسارزده شود و تحت کنترل قرار گیرد. کشورها و شرکتهای بزرگی که در حال حاضر در عرصه جهانی به تاخت و تاز مشغول هستند و از مزایای فرایند جهانی شدن منتفع می‌شوند باید بدانند که این بهره‌ستانی‌ها موقتی است. تنها زمانی استمرار بهره‌گیری از جهانی شدن امکانپذیر می‌شود که با ارتقای همکاریهای بین‌المللی همراه باشد. مجموعه جامعه جهانی باید با مشارکت فعالانه و آگاهانه بر روند جهانی شدن نظارت کند، بر جهتگیریهای آن اعمال نفوذ نماید و با اعطای کمکهای مالی و تخصصی به کشورهایی که از امکانات کمتری برخوردارند نظامی را مستقر کند که کل جامعه بشریت از ثمرات آن بهره‌برند. در غیراین صورت گستره نابرابری و محرومیت، سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و تبعات منفی و ناخواسته آن خشک و تر را باهم خواهد سوزاند. مدیریت بر فرایند جهانی شدن باید با هدف همخوانی با هنجارهای توسعه پایدار انجام شود تا کلیه کشورهای جهان از نتایج آن مستفیض گردند.

## 2- ریشه کنی فقر در سطح جهان

فقر یک مانع اساسی در تحقق هدفهای توسعه پایدار است. فقر حاد در بسیاری از کشورهای در حال توسعه موجب تنزل کیفیت محیط زیست، تخریب جنگلها و آسیب رسانی به منابع طبیعی شده است. یکی از صاحب‌نظران معتقد است که فقرا، اقلیتهای نژادی، مهاجران و پناهندگان از عوامل عمده تخریب محیط زیست هستند (Alam, 2000). به نظر وی دلیل عمده این تخریب نیز عدم توجه به نیازهای گروههای مذکور و دسترسی نداشتن آنان به کانالهای رفاهی و بهداشتی متداول است. اصولاً فقر و بدبختی در هر کجای جهان که باشد تهدیدی جدی برای رفاه و نیکبختی در هر جای دیگر خواهد بود و درنهایت کل گیتی را به بحران خواهد کشاند.

امحاء فقر، مسئولیت مشترک همه کشورهاست. آنها که امکانات بیشتری دارند باید مسئولیت بیشتری بپذیرند. کشورهای توسعه یافته و ثروتمند و شرکتهای بزرگ جهانی که از روند جهانی شدن بسیار منتفع شده‌اند نه تنها از نظر اخلاقی و انسانی مسئولیت دارند که نسبت به محو فقر تلاش کنند بلکه به خاطر بقای بلند مدت خودشان در جهان ناچارند به این مسئله اساسی بیندیشند. فقر معضلی جهانی است و راه حلی

جهانی می‌طلبد. در این میان آنها که غنی‌ترند مسئول‌ترند؛ زیرا برای احراز موقعیت برتر خود، از محیط زیست جهانی بهره‌ی بیشتری گرفته‌اند (زاهدی، 1386).

از این رو لازم است که برنامه فقرزدایی در سطح جهان به گونه‌ای ریشه‌ای و اساسی اجرا شود و سازمانهای بین‌المللی، دولتها، شرکتهای جهانی، کلیه فعالان عرصه محیط زیست و باورمندان به فلسفه توسعه پایدار مسئولیت این امر مهم را بپذیرند و صادقانه و متعهدانه سهم خود را برای ریشه کنی فقر انجام دهند.

### 3- احترام به قانونمندیهای طبیعت

هرگاه انسان در طبیعت و مولفه‌های اساسی آن یعنی آب، هوا، خاک، صوت و دما مداخله نماید، به طریقی به توازن موجود در آن خدشه وارد می‌سازد. روند جهانی شدن باعث شده است که شتاب تخریب و عمق مداخله بشر در طبیعت افزایش یابد و به جای سازش با طبیعت به هجمه بر طبیعت و استثمار عنان گسیخته منابع آن تبدیل شود. امروزه روند تخریب طبیعت شدت یافته و نظام ارزشهای مصرفی و مسابقه بین خواستن و داشتن تا عمق جوامع بزرگ و کوچک انسانها رخنه کرده است. جست و جوی روز افزون برای کشف دارائیهای طبیعت، تلاش بی‌وقفه برای رفاه بیشتر و فرهنگ مصرف پایان‌ناپذیر، همگی باعث مداخله افراطی بشر در طبیعت شده‌اند و تعادل و توازن محیط طبیعی را برهم زده‌اند تا بدان حد که هم اینک زندگی خود بشر نیز به مخاطره افتاده است. گرم شدن زمین، افزایش تغییرات آب و هوایی در سطح جهان، افزایش آلودگیهای آب، خاک، هوا و انقراض سریع گونه‌های زیستی هشدارهایی از عدم تعادل در طبیعت هستند که توجه جدی ما را می‌طلبند. ما به خاطر بقای خود ملزم به توجه به هشدارهای مذکور و شناسایی بایدها و نبایدهای طبیعت هستیم. امروز دیگر فرصتی نمانده و در واقع بسیار هم دیر شده است. ما موظفیم از هم اکنون اطلاعات مبتنی بر واقعیت را مبنای عمل آگاهانه قرار دهیم، روند تخریب را معکوس کرده و به بازسازی و محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست خود پردازیم.



#### 4- رعایت کارایی اکولوژیکی

کارایی اکولوژیکی در مورد به کارگیری منابع محیطی برای پاسخگویی به نیازهای انسانی مطرح می شود و حاصل تقسیم مجموع ارزش افزوده اقتصادی بر مجموع فشارها و اثرات زیست محیطی است. فلسفه اساسی کارایی اکولوژیکی تولید کالاها و خدمات بیشتر با مصرف منابع، ضایعات و آلودگی کمتر است (Zadedi, 2010). از منظر اکولوژیکی بهترین نوع تولید، تولید بدون پسماند است، همان گونه که در هزاران سال عمرنظام طبیعت، پسماند هر ارگانیسم خوراک ارگانیسم دیگر را تشکیل داده است و اصولاً پسماندی تولید نمی شود که بدون مصرف باشد. برای تحقق کارایی اکولوژیکی کلیه کشورهای جهان اعم از توسعه یافته و درحال توسعه باید این امر مهم را در استراتژیهای تجاری خود بگنجانند و یافته ها و ابتکارات خود را در صرفه جویی منابع و کاهش آلاینده ها و پسماندها در اختیار سایرین قرار دهند. به این ترتیب الزامات توسعه پایدار در روند جهانی شدن لحاظ می شود و دغدغه کسب دستاوردهای کوتاه مدت و سود آنی جای خود را به تلاش برای حصول نتایج بلند مدت و بقای طولانی تر خواهد داد و این به نفع همه موجودات درجهان هستی خواهد بود.

#### 5- تدوین و اجرای قوانین جهانی

پویایی بی حد و مرز تولید در جوامع صنعتی آن چنان ساماندهی شده است که ظهور نیازهای مادی جدید بسیار سریعتر از آماده سازی شرایط برای برآوردن آن نیازهاست. به قول اوتر اولریش، نظام صنعتی پیشرفته کنونی در حقیقت نوعی انگل خطرناک در سطح زمین است. انگلی که نظیر آن در هیچ یک از دوره های حیات کره زمین دیده نشده است؛ انگلی که به چپاول منابع طبیعی کره زمین می پردازد (اولریش، 1376). شرکتهای جهانی در حال حاضر به صورتی عنان گسیخته دامنه فعالیت های خود را در هر گوشه جهان که سود بیشتری را عاید آنها سازد گسترش می دهند و از امکانات و منابع کل زیست کره بهره می گیرند. این عمل به جز با مرام منفعت طلبی، با هیچ ایدئولوژی و مکتب دیگری سازگار نیست. زمین و منابع آن متعلق به همه جهانیان است و کلیه موجودات باید از آن بهره مند شوند. متأسفانه این میراث جمعی بشریت، درحال حاضر مصروف پاسخگویی به نیازهای پایان ناپذیری که به آز تبدیل شده اند، می گردد. این روند تخریبی باید به وسیله همه

جهانیان متوقف شود. پیترا دراکر در سال 1991 گفته است که بحث درباره نگرانیهای اکولوژیکی جهان مستلزم عمل و قانون بین‌المللی است. نگارنده نیز در این زمینه معتقد است که باید در مقاله نامه‌ها و توافقهای جهانی به ویژه در قوانین تجاری، به ممیزی اکولوژیکی اولویت داده شود و سازوکارهای مناسبی، از قبیل لحاظ کردن هزینه های زیست محیطی در سیستمهای مدیریت مالی و حسابداری، و رسیدگی و ارزیابی مستمر فعالیتهای فرایندها و تجهیزات مورد استفاده در سطح جهان پیش‌بینی شود و تمهیدات موثری نیز برای ضمانت اجرای مفاد قوانین مزبور فراهم گردد. این ضمانتها باید به طور جدی اعمال شوند تا از ثروتی که با شتاب فزاینده‌ای رو به تحلیل است صیانت شود. زمان چندانی در اختیار نیست، باید فرصت باقی‌مانده را مدیریت کرد.

## فهرست منابع

### الف - منابع فارسی

- 1- اولریش، اوتر (1376)، فناوری و تهدید حیات در سطح کره زمین، ترجمه ناصر موفقیان، فصلنامه رهیافت، شماره هفدهم، تهران، ایران.
- 2- دفت، ریچارد ال (1377)، تئوری و طراحی سازمان، ترجمه علی پارسائیان؛ محمد اعرابی، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران، ایران.
- 3- زاهدی، شمس السادات (1386)، توسعه پایدار، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، ایران.
- 4- همشهری، آتش برای چهارمین بار به جان جنگلهای گلستان افتاد، شماره 5304، پنجشنبه 9 دی 1389، تهران، ایران.

### ب - منابع انگلیسی

- 5- Adler, N. and Ghadar, F. (1990), 'International strategy from the perspective of people and culture: The North American context', In: A. M. Rugman (Ed.) *Research in global strategic management: Intercultural business research for the Twenty first century: Canada's new research agenda*, Vol.1, Greenwich, Conn.: JAI Press.
- 6- Alam, Shaista (2010), 'Globalization, poverty and the environment degradation: Sustainable development in Pakistan' *Journal of Sustainable Development*, Vol. 3, No. 3, September, 101-114.
- 7- Bhagwati, Jagdish N. (2005), *In defense of globalization*, New York: Oxford University Press.
- 8- Booming nations threaten Earth (2006), *BBC News*, January 12.
- 9- *Farlex Financial Dictionary* ( 2009), Farlex, Inc.
- 10- Francesco, Stipo, *World Federalist Manifesto, Guide to political globalization*, ISBN 978-0-9794679-2-9, worldfederalistmanifesto.com, Wikipedia.
- 11- Gawor, Leszek(2008), 'Globalization and its alternatives: Antiglobalism, alterglobalism and idea of sustainable development', *Sustainable Development*, John Wiley & Sons, 16, 126-134.
- 12- Gills, Dong- Sook(2002), *Economic globalization and women in Asia: Challenges and responses*, London, Routledge, UNESCAP.
- 13- Giddens, Anthony (1990), *The consequences of modernity*, Cambridge, Polity Press.
- 14- Gilman-Robert (1996), *Sustainability*, URL, [www.context.org/ICIB/DEFS/AIADef.htm](http://www.context.org/ICIB/DEFS/AIADef.htm).
- 15- Gore, Al (1992), *Earth in the balance*, Chelsea Green, New York.
- 16- Henry, Jane, (2001), *Creativity and perception in management*, Walton Hall Publication.

- 17- Lucas, Manuela (2004), How can we make globalization work for sustainable development, Afrique PALOP: *Developpement et mondialisation seminaire*- Universite Libre de Bruxelles 1-2 mars.
- 18- Mendenhall, Mark et al. (1995), *Global management*, Massachusetts, Blackwell Publishers, USA.
- 19- OECD (2001), *The DAC Guidelines, Strategies for sustainable development*, Paris.
- 20- Pearce 11, John A. and Richard B. Robinson (2011), *Strategic management*, McGraw Hill International Edition, Singapore.
- 21- Perlmutter, Howard v. (1969), The tortuous evolution of the multinational corporations, *Columbia Journal of world Business*, In: International Management, by Paul W. Beamish et al., Illinois: Irwin, 1994.
- 22- Reich, Robert (1992), *The work of the nations, preparing ourselves for 21<sup>st</sup> century capitalism*, Alfred A. Knopf, Canada.
- 23- Zahedi, Shamsalsadat (2010), 'Green management an effective approach toward sustainable development', *Innovators and Coastal Tourism Symposium, Rethinking Coastal Tourism Development: The Importance of Innovators in Times of Climate Change & Economic Crisis*, Stanford University, USA.

